



فصل چهارم

بیداری اسلامی و جهان جدید



در فصل اول دربارهٔ چهار مرحلهٔ تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های جهان شمول اسلام سخن گفته شد. در دو مرحلهٔ نخست، اسلام در مواجهه با فرهنگ جاهلی و استبداد قومی و قبیله‌ای برآمده از آن، فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی را بنا کرد. جهان اسلام در مواجهه با جهان متجدد، مرحلهٔ استعمار را از سر می‌گذراند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران از تنگنای استبداد استعماری عبور می‌کند و بیداری اسلامی را از سر می‌گیرد. جهان اسلام در عصر بیداری اسلامی به عنوان یک قطب فرهنگی و تمدنی ظاهر می‌شود؛ عبور از چالش‌های جهان امروز را به بشریت نوید می‌دهد و با مخاطب قرار دادن فطرت الهی تمامی انسان‌ها، مقدمات شکل‌گیری جهانی توحیدی را فراهم می‌آورد.

● اهداف فصل چهارم

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت یاددهی یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب کند:

۱. بتواند درباره‌ی نخستین جریان‌های اجتماعی جهان اسلام که در مواجهه با جهان غرب پدید آمدند، با دیگران بحث و گفت‌وگو نماید، شباهت‌ها و تفاوت‌های این جریان‌ها را شرح دهد و رویکردهای متفاوت این جریان‌ها به غرب را بررسی کند.

۲. با مقایسه‌ی انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های اجتماعی پیش از آن در ایران و هم‌زمان با آن در سایر نقاط جهان از جایگاه و رسالت انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و جهان معاصر شناخت پیدا کند و انقلاب اسلامی ایران را به عنوان نقطه‌ی عطف بیداری اسلامی بشناسد.

۳. انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران را از این منظر که یکی سرآغاز شکل‌گیری جهان دنیوی و دیگری سرآغاز شکل‌گیری جهان توحیدی است، مقایسه کند؛ برای تحقق این آرمان بلند انقلاب اسلامی بکوشد و دیدگاهی را که آرمان‌ها و ارزش‌های بلند انقلاب اسلامی را ذیل ارزش‌های دنیوی انقلاب فرانسه تعریف می‌کند، نپذیرد.

۴. بیداری اسلامی را راه‌حل بحران‌های جهانی بداند؛ نسبت به سرنوشت بیداری اسلامی احساس مسئولیت کند، به شیوه‌های غرب برای مقابله با آن پی ببرد، فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی بیداری اسلامی را بشناسد و برای استفاده‌ی مطلوب از فرصت‌ها و عبور از محدودیت‌ها چاره‌اندیشی کند.

اگر بتوانیم نسخه دومی از
کشورهای غربی شویم، به
رستگاری رسیده ایم؟ بر فرض
محال، اگر شدیم مانند سوئیس،
سوئد، فرانسه یا امریکا، آیا تازه
دچار مشکلاتی نخواهیم شد که در
غرب مدت‌هاست به آن
رسیده‌اند؟ بالین مشکلات
مجدد چه خواهیم کرد؟

محمد علی

ای نسخه خلیفه پوزرکس نکران خیزر
کلاژ ما رفت به تاراج، غان خیزر
از ناله مرغ سحر از بانگ اوان خیزر
از گرمی بنگامه آتش نمان خیزر
از خواب کران، خواب کران، خواب کران خیزر
از خواب کران خیزر



امروز دنیا در زیر بار سنگین
تحمیلات ناشی از تمدن مادی به سئوه آمده
است و دنبال راه نجاتی می‌گردد.



درس سیزدهم سر آغاز بیداری اسلامی

آغاز شکل‌گیری هر پدیده اجتماعی اغلب هیجان‌انگیزترین لحظه آن است؛ لحظه‌ای سرشار از بیم، امید، شگفتی، تنش و دلهره. سرآغاز پدیده اجتماعی، شفاف‌ترین لحظه آن نیز به‌شمار می‌رود و به همین دلیل اطلاعات قابل توجهی از آن پدیده در اختیار ما می‌گذارد. سرآغاز هر پدیده سرگذشت و سرنوشت آن پدیده را به‌طور خلاصه در خود دارد.

بیداری اسلامی نیز سرآغازی دارد.

جهان غرب ابتدا با سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین لایه‌های هویتی خود با سایر جهان‌های اجتماعی، از جمله جهان اسلام، مواجه شد و بیش از هر چیز، وجوه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و ... خود را به رخ کشید اما لایه‌های عمیق آن از چشم اعضای سایر جهان‌ها مخفی ماند. این امر بر چگونگی مواجهه جهان‌های اجتماعی دیگر و اعضای آنها با جهان غرب تأثیر فراوانی گذاشت.

از ابتدای روبرویی جهان اسلام با غرب متجدد، جریان‌های فکری و اجتماعی متفاوتی در جهان اسلام شکل گرفت. جریان‌هایی که برداشتشان از دافعه‌ها و جاذبه‌ها، دشمنان و دوستان، دردها و درمان‌های پیش‌رو، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت. نخستین جریان‌های اجتماعی که در این مواجهه شکل گرفتند، کدام‌اند؟ شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها چیست؟

نخستین بیدارگران اسلامی

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

خاور همه مانند غبار سر راهی است یک نالهٔ خاموش و اثر باخته آهی است
هر ذرهٔ این خاک گره خورده‌نگاهی است از هند و سمرقند و عراق و همدان خیز

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

فریاد ز افرنگ و دلاویزی افرنگ فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ معمار حرم، باز به تعمیر جهان خیز

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

اولین بیدارگران در جهان اسلام چه کسانی بودند، چه ویژگی‌هایی داشتند و چقدر با فرهنگ غرب آشنا بودند؟

غرب متجدد زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب بر اساس ضرورت حفظ امنیت با آنها تعامل می‌کردند.

«فقاہت»^۱ و «عدالت» که دو عنصر برتر در فرهنگ اسلامی هستند، اغلب در حاشیة مناسبات قدرت‌های قومی، باقی مانده بودند. دولت‌های کشورهای مسلمان نیز به میزان دوری از سنت‌های دینی و اسلامی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می‌کردند.

قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان کشورهای اسلامی را مرعوب و شیفتهٔ فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.

۱- شناخت عمیق احکام الهی و پیروی از آنها



■ در حمله روسیه تزاری به ایران، عده زیادی از علمای اسلام با تدوین کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون، حکم جهاد با کفار را به‌طور مستدل و مشروح بیان کردند. این رساله‌ها با عنوان جهادیه شناخته می‌شوند.



■ نشریه‌ای دربارهٔ خودباوری مسلمانان و مبارزه با استعمار که سیدجمال‌الدین اسدآبادی با همکاری محمد عبده در پاریس منتشر و در ده‌ها کشور آسیایی و آفریقایی توزیع می‌کرد.

نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و شیوهٔ برخورد دولت‌های اسلامی در برابر غرب، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به‌وجود آوردند. حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیهٔ تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، اصلاحات امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران و اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او در دیگر کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از این حرکت‌ها در جهان اسلام است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی آن است که:

- به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.
 - به دنبال اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.
 - بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.
 - بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به‌رسمیت می‌شناختند.
- بیدارگران نخستین، با وجود رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند. آنها خطر غرب را بیشتر در سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند. برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به اسلام را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند دلیل قدرتمندی جوامع غربی این است که عملکرد آنها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.

محمد عبده شاگرد سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر بود و این سخن منسوب به اوست: در شرق مسلمانان را دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب اسلام را دیدم و مسلمانان را ندیدم. این سخن را تحلیل کنید و نظر خود را درباره آن بیان نمایید.

منورالفکران و روشنفکران غرب‌گرا

با شکل‌گیری استعمار و نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی، جریان اجتماعی دیگری به موازات نخستین بیدارگران اسلامی شکل گرفت. نسل اول این جریان به «منورالفکران» و نسل دوم آن به «روشنفکران» شهرت یافتند. این جریان با بیدارگران اسلامی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت؟ شباهت‌ها و تفاوت‌های نسل اول و دوم این جریان اجتماعی چه بود؟

به موازات نخستین بیدارگران اسلامی، گروه دیگری در جوامع اسلامی پیدا شدند که شیفته غرب بودند. این گروه — که بیشتر در لژهای فراماسونری^۱ سازمان می‌یافتند — نیز خود را بیدارگر می‌نامیدند اما برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی می‌دانستند. آنان در ایران، اومانیسیم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه کردند و به همین دلیل خود را منورالفکر خواندند. لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان از اولین لژهایی بود که منورالفکران در ایران تأسیس کردند.

- نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند.
- مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.
- برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام نمی‌دانستند بلکه بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.
- مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها بی‌معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند.

۱- لژ واحد تقسیم‌بندی در سازمان‌های فراماسونری و مرکز فعالیت اعضای این سازمان‌ها بود.

منورالفکران غرب‌گرا مورد حمایت دولت‌های استعمارگر غربی بودند و این دولت‌ها به کمک آنان توانستند از موفقیت بیدارگران اسلامی جلوگیری کنند. منورالفکران غرب‌گرا که در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن می‌گفتند، در نهایت با حمایت کشورهای غربی، در جوامع خود حکومت‌های سکولار تشکیل دادند.



■ اقدامات آتاتورک؛ کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، بخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها نداشت. قدرت آنها وابسته به قدرت جهانی استعمار بود. آنان با اتکا به این قدرت، می‌کوشیدند مظاهر دینی و اسلامی را از بین ببرند و ساختارهای اجتماعی^۱ پیشین را حذف و ساختارهای اجتماعی جدیدی ایجاد کنند.

آتاتورک در ترکیه، رضاخان در ایران و امان‌الله‌خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت‌های سکولاری‌اند که آرمان‌های منورالفکران غرب زده را با حمایت دولت‌های غربی دنبال می‌کردند.

۱- نهادها، قواعد، رویه‌ها و روابط میان آنها

دربارهٔ فعالیت‌های اسلام ستیزانهٔ رضاخان و چهره‌های منورالفکری که در کابینه‌های او حضور داشتند، گفت‌و‌گو کنید.



■ علی‌منصور، محمدعلی فروغی، مصطفی قلی‌بیات، علی‌اکبرداور و محمود جم و دیگرانی همچون تیمور تاش، سردار اسعد بختیاری و... در کابینه‌های رضاخان حضور داشتند.

حکومت منورالفکران غرب‌گرا در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری را به دنبال داشت. استبداد استعماری به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر و عمل کردن مطابق منافع این کشورها، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می‌ساخت و مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب می‌کرد.

در هم ریختن نظم پیشین به بهانهٔ رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام شد؛ اما در عمل، این کشورها همچنان در جایگاه کشورهای پیرامونی و استعمارزده باقی ماندند. این مسئله باعث اعتراض برخی از نخبگان غرب‌گرای این کشورها شد.

نخبگان غرب‌گرایی که به عملکرد نسل اول روشنفکران معترض بودند، نسل دوم روشنفکران را شکل دادند. این گروه تحت تأثیر جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی بودند. این نسل با عنوان روشنفکران چپ کشورهای اسلامی شناخته می‌شود. اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول، به دلیل گریز آنان از اسلام یا اسلام‌ستیزی آنان نبود، بلکه از نوع اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل می‌گرفت.

حرکت‌های اجتماعی روشنفکران چپ، در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود. برخی از آنان، آشکارا اندیشه‌های غیرتوحیدی را مطرح می‌کردند و برخی دیگر از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند؛ حتی گاهی اندیشه‌های خود را

در پوشش دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، روشنفکری التقاطی^۱ چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان، اغلب مورد حمایت بلوک شرق قرار می‌گرفت.

تا پیش از فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند و جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند، یک جریان اجتماعی تأثیرگذار بود. با فروپاشی بلوک شرق، جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهان از بین رفت و این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع، دیگر بار به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

مطالعه کنید

دربارهٔ سرانجام جریان‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی در ایران مطالعه کنید.

۱- یکی از ویژگی‌های اساسی اندیشهٔ درست این است که اجزای آن دارای انسجام‌اند. از این‌رو به دیدگاهی که در آن تضاد و تناقض وجود دارد، به دیدهٔ شک و تردید نگریسته می‌شود. اندیشهٔ التقاطی در همین ویژگی دچار نقص است. چرا که معمولاً آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف گردآوری می‌شوند و به‌صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می‌شوند. برخی جریان‌ها، عقاید اسلامی را با سوسیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ... بدون توجه به مبانی آنها و به‌صورتی ناسازگار درهم ادغام می‌کنند.

ز شرقی ز غربی جمهوری اسلامی

درس چهاردهم انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف بیداری اسلامی

«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده، عنایت شده است.»
(وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی علیه السلام)

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی متمایز از دیگر جنبش‌های اجتماعی داشت و با همه جنبش‌های اجتماعی که پیش از آن در ایران رخ داده بود یا هم‌عصر با آن در سایر نقاط دنیا وجود داشت، متفاوت بود. آیا ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را می‌دانید؟



■ انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود و تمامی انسان‌ها را مخاطب خود قرار می‌داد.

انقلاب مشروطه

نخستین بیدارگران اسلامی در جهان اسلام، حرکت‌ها و جنبش‌هایی ایجاد کردند. جنبش عدالتخانه و جنبش تنباکو دو نمونه از این جنبش‌ها در ایران هستند. درباره این دو جنبش چه می‌دانید؟ چرا جنبش‌های اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی در ایران متوقف شدند؟

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار حاکمان و ساختار حکومت^۱ قاجار به وجود می‌آوردند.

تعامل عالمان شیعی با قاجار براساس «مقاومت منفی» بود. در مقاومت منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیرمشروع دانسته می‌شود و همکاری سیاسی با آن، جز در حد واجبات نظامیه انجام نمی‌شود. منظور از واجبات نظامیه اموری است که برای بقای زندگی اجتماعی لازم است؛ مانند حفظ امنیت یا مقابله با دشمنان خارجی.

هنگامی که قاجار - به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری - به جای مقاومت در برابر بیگانگان به قراردادهای استعماری روی آوردند، «مقاومت منفی» به سوی «فعالیت رقابت‌آمیز» تغییر کرد. منظور از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی، نه در جهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در رقابت با آن است.



■ نمایندگان دوره‌های نخست مجلس شورای ملی

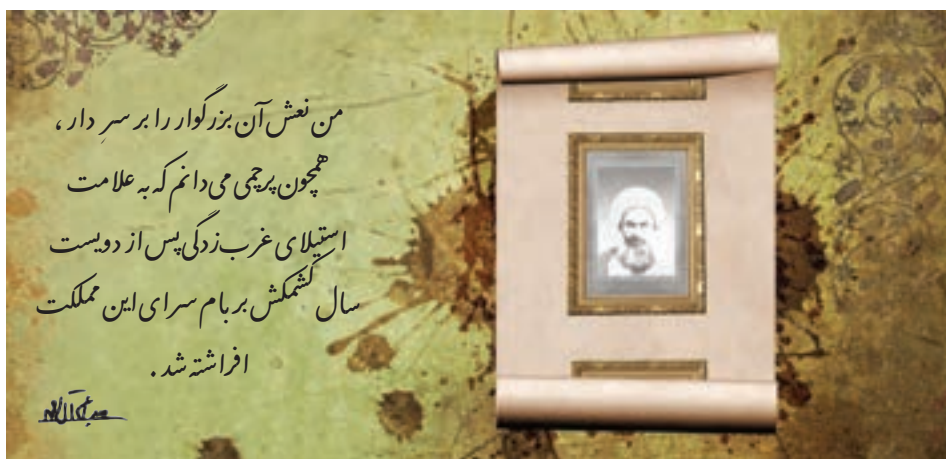


■ حضور فعال مردم در جنبش تنباکو به تبعیت از علما

۱- برای پی بردن به تفاوت رفتار حاکمان و ساختار حکومت، یک گروه اجتماعی مانند تیم فوتبال را در نظر بگیرید. در هر گروه اجتماعی، افراد، نقش‌ها و روابط میان نقش‌ها وجود دارند. به روابط میان نقش‌ها یا روابط میان مجموعه‌های نقشی، ساختار می‌گویند. افراد، نقش‌ها را اجرا یا به تعبیری بازی می‌کنند. یک نقش را افراد مختلف می‌توانند به شیوه‌هایی متفاوت ایفا کنند. برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر، برخی با پایبندی بیشتری به حقوق و تکالیف نقش و برخی با پایبندی کمتر. در تیم فوتبال اگر بازیکنی نقشی را به خوبی ایفا نکند، می‌توان از او خواست که این کار را بهتر انجام دهد و اگر نتوانست، می‌توان او را تعویض کرد اما برای مثال، نمی‌توان از یک بازیکن فوتبال انتظار داشت که نقش یک بازیگر تئاتر را ایفا کند. اگر چنین انتظاری وجود داشته باشد، باید در ساختار بازی فوتبال تغییر ایجاد کرد.

برخورد رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکتی اصلاحی بود. آنها برای اصلاح برخی رفتارهای پادشاهان قاجار تلاش می‌کردند. جنبش تنباکو نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است. این تجربه موفق، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر داد و به جنبش عدالتخانه منجر شد.

جنبش عدالتخانه فقط به دنبال اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود بلکه اصلاح شیوه‌ی مامداری او را هدف قرار داده بود. این جنبش - با توجه به شرایط داخلی و خارجی - در پی تأسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه الهی را تدوین کند و شاه را ملزم سازد که در چارچوب این قوانین عمل کند. این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می‌کرد. البته در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع، این نوع حاکمیت نیز آرمانی نبود اما فساد آن از استبداد کمتر بود و ظلم را کنترل می‌کرد. به همین دلیل، فقط در شرایطی که برقراری حاکمیت آرمانی امکان نداشت، پذیرش آن ممکن بود. جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می‌داد، یک انقلاب اجتماعی بود. با اوج‌گیری این جنبش، منورالفکران غرب‌زده به آن پیوستند و در جریان بست‌نشینی در سفارتخانه انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان نیز ضمن استقبال از همراهی منورالفکران، این نام را پذیرفتند اما منظور عالمان دینی از مشروطه با منورالفکران تفاوت داشت. منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود اما منورالفکران مشروطه را نوعی حاکمیت سکولار، مانند دولت انگلستان می‌دانستند.



■ جمله‌ای از جلال آل احمد درباره شهید شیخ فضل‌الله نوری

از نظر منورالفکران مشروطه‌خواه، مجلس محلی بود که در آن، قوانین نه بر پایه احکام اسلام، بلکه براساس اراده و خواست بشر تنظیم و تدوین می‌شد. در جریان انقلاب مشروطه، نزاع و رقابتی سخت بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌گرا

به وجود آمد که پس از دو دهه کشمکش، با حضور قدرت‌های استعماری و دخالت انگلستان، به نفع جریان منورالفکران پایان یافت. حاکمیت منورالفکران در ایران به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

بخوانیم و بدانیم

قدرت و قدرت اجتماعی

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برطرف کند و برای رفع برخی نیازهایش، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی، هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

مقبولیت و مشروعیت

قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی، دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیرگذاران بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادیشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است: تبعیت با کراهت؛ تبعیت ناشی از تهدید و ترس و تبعیت با رضایت؛ تبعیت همراه با رضایت و میل درونی است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید دارای مقبولیت است و قدرتی که براساس شریعت و موافق حکم خداوند است مشروعیت دارد. مدار مقبولیت خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود و مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت. هنگامی که قدرت بر خلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت باشد، قدرت مقبول ولی غیرمشروع است. در یک جامعه دینی قدرت نامشروع نمی‌تواند مقبولیت لازم را به دست آورد.

سیاست و نظام سیاسی

هرگاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید؛ پس سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است. هر جهان اجتماعی، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب، به آرمان‌ها و ارزش‌های خود دست یابد. مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

با توجه به جدول زیر مقاومت منفی، فعالیت رقابت آمیز اصلاحی و انقلاب اجتماعی را با یکدیگر مقایسه کنید.

نمونه تاریخی	ویژگی	فعالیت اجتماعی - سیاسی
تدوین رساله‌های جهادیه	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	مقاومت منفی
جنبش تنباکو	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	فعالیت رقابت آمیز اصلاحی
جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه	تغییر ساختار سیاسی	انقلاب اجتماعی

انقلاب اسلامی

رهبران دینی پس از شکست در مشروطه، از موضع فعالیت رقابت آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند. این موضع در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت. انقلاب اسلامی ایران چگونه به وجود آمد و چه تفاوتی با انقلاب مشروطه داشت؟

پس از گذشت بیش از هفتاد سال از انقلاب مشروطه و نیم قرن از حاکمیت پهلوی، انقلاب اسلامی ایران رخ داد. امام خمینی علیه السلام انقلاب را هنگامی آغاز کرد که شاه تحت حمایت دولت‌های غربی بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت. روشنفکران چپ نیز از صحنه رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.



■ دیدار ارتشبد طوفانیان معاون وزیر جنگ حکومت پهلوی با موشه‌دایان وزیر اسرائیل، برای همکاری مشترک نظامی

■ حزب توده از سازمان یافته‌ترین گروه‌های سیاسی چپ و مخالف شاه بود که با سرکوب گسترده از سوی حکومت پهلوی روبه رو شد.

امام خمینی به‌عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند. این فعالیت رقابت‌آمیز، با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد ولی در حد یک حرکت اصلاحی نماند و به‌صورت یک حرکت انقلابی درآمد که حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.

در اندیشه اجتماعی و سیاسی شیعی، حاکمیت آرمانی دینی، حاکمیت الهی است که به‌وسیله پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام تحقق پیدا می‌کند و در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌فرجه اجرای روشمند احکام الهی، وظیفه کسانی است که هم به احکام و شرایط اجرای آنها آگاه و عالم باشند و هم به آگاهی خود عامل باشند.

مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را به کسانی تحمیل می‌کرد که با معیارهای الهی به قدرت نرسیده بودند. آنها قدرت را با شمشیر قوم و عشیره یا حمایت دولت‌های استعمارگر به‌دست آورده بودند؛ عالم به عدالت نبودند و عمل به عدالت نیز به قدر کافی در شخصیت آنها نهادینه نشده بود. به همین دلیل، در شرایطی که برقراری حاکمیت آرمانی ممکن به نظر نمی‌رسید، مشروطه در مقایسه با نظام استبدادی ترجیح داده شد.

انقلاب اسلامی، بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند. این بازگشت با هزینه نزدیک به صدسال تجربه تاریخی انجام می‌شد؛ تجربه رقابت با منورالفکران غرب‌گرا، استبداد استعماری و روشنفکرانی که در حاشیه بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

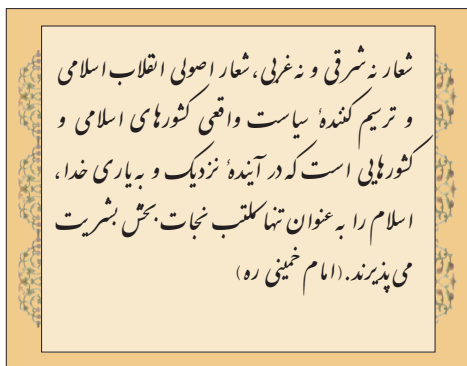
گفت‌وگو کنید

درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران گفت‌وگو کنید.

مقایسه انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آزادی‌بخش

قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی‌بخش می‌دانند و انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است. در این قرن، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در بسیاری از کشورهای جهان سوم در آفریقا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین شکل گرفتند. انقلاب اسلامی ایران با این انقلاب‌های آزادی‌بخش چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم، همگی جهت‌گیری ضداستعماری داشتند و در جهت از بین بردن سلطهٔ سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند.



- اما انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش این قرن تفاوت‌هایی دارد:
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در جهان دو قطبی قرن بیستم، اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند. ولی انقلاب اسلامی ایران به هیچ‌یک از دو بلوک وابستگی نداشت و از آغاز، جهت‌گیری ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی و ضد مارکسیستی خود را اعلان کرد. شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» نشان‌دهنده همین جهت‌گیری بود.
 - انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. برخی از نیروهای چپ در جامعهٔ ایران نیز به دنبال حرکت‌های چریکی بودند. شاه توانست همهٔ این حرکت‌ها را سرکوب کند اما انقلاب اسلامی ایران با حرکت یک گروه و حزب خاص پدید نیامد بلکه یک انقلاب فراگیر مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همهٔ اقشار و گروه‌های جامعه را دربر گرفت.
 - انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتب چپ شکل می‌گرفتند که برای حل بحران‌های جهان غرب به‌وجود آمده بودند ولی انقلاب اسلامی ایران از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب تعلق نداشت.
 - انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند؛ و به همین سبب، از فردای پیروزی، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهرهٔ استعمار نو باز می‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیهٔ قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان

خارج کنند اما انقلاب اسلامی ایران فقط یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب بیرون از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی به‌وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.



■ انقلاب‌های کوبا، الجزایر، هند و چین

بیندیشید

برای یک شباهت و چهار تفاوت انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های آزادی‌بخش، پنج عنوان مناسب انتخاب کنید.

خلاصه کنید

– انقلاب اسلامی ایران، فقط یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت.

مفاهیم اساسی

انقلاب اسلامی ایران

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس پانزدهم افق بیداری اسلامی

خانهٔ دوست کجاست؟ در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکتی کرد

رهگذر شاخهٔ نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت نرسیده به درخت کوچه باغی است

می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ سر به در می‌آرد

در صمیمیت سیال فضا خش‌خشی می‌شنوی

کودکی می‌بینی رفته از کاج بلندی بالا جوجه بردارد از لانهٔ نور

و از او می‌پرسی خانهٔ دوست کجاست؟

(سهراب سپهری)

اینکه گفته‌اند هر چیز که در جستن آنی، آنی؛ یعنی ارزش هر فرد، گروه، جریان، جنبش، انقلاب و جامعه‌ای را بلندای همت آن و آنچه از زندگی می‌خواهد معلوم می‌کند. از افق بیداری اسلامی چه دورنمایی، برای بشریت دست‌یافتنی می‌شود؟ بی‌شک بیداری اسلامی، تغییر موقعیت ملت‌ها و کشورهای پیرامونی، در نظام جهانی سلطه را هدف نهایی خویش نمی‌بیند و تنها آرمان بشر را صلحی که بی توجه به عدالت است، نمی‌پندارد؛ بیداری اسلامی از افق جهان متجدد به عالم نمی‌نگرد تا در تنگنای جهان سکولار و چالش‌ها و بحران‌های آن متوقف گردد. بیداری اسلامی، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفهٔ خود می‌داند؛ نوع بشر را مخاطب قرار

می‌دهد و حل مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را در محدودهٔ رسالت خود می‌بیند.
دستاوردهای بیداری اسلامی چیست؟ غرب برای مقابله با بیداری اسلامی چه کارهایی انجام داده است؟
انقلاب اسلامی ایران بر جریان بیداری اسلامی چه تأثیراتی داشته است؟

نخستین انقلاب

برخی دانشمندان علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را نخستین انقلابی می‌دانند که پس از انقلاب فرانسه در سطح جهان اتفاق افتاده است. این گفته به چه معناست؟ چرا در مورد انقلاب اسلامی ایران چنین گفته می‌شود؟

در جهان دو قطبی قرن بیستم، هویت جنبش‌ها، انقلاب‌ها و کشورها براساس جایگاه و اهمیتشان برای یکی از دو قطب جهان؛ یعنی بلوک شرق یا غرب شناسایی می‌شد. بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران از آن جهت که یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب (پهلوی) را هدف قرار داده بود، اهمیت می‌یافت اما چون به بلوک شرق وابسته نبود، از اهمیت آن کاسته می‌شد. آمریکا با حمایت از رژیم پهلوی، مانعی را در مرزهای جنوبی شوروی ایجاد کرده بود. اگر انقلاب اسلامی وابسته به جریان چپ بود، با فروریختن این مانع، فرصت جدیدی برای شوروی پدید می‌آمد.

از نظر دولتمردان آمریکا، انقلاب اسلامی به دلیل اینکه با بلوک شرق ارتباط برقرار نمی‌کرد، توان مقاومت نداشت، نمی‌توانست تداوم یابد و دیر یا زود، بار دیگر، دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می‌کرد. دولتمردان غربی با چنین نگاهی به انقلاب اسلامی ایران، از عمق حادثه غافل بودند. آنها انقلاب را با موازین فرهنگ غرب می‌سنجیدند حال آنکه انقلاب اسلامی ایران از متن فرهنگی دیگر برمی‌خاست.

انقلاب اسلامی ایران، در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های سکولار جهان غرب قرار نداشت بلکه از متن فرهنگ اسلامی برمی‌خاست و برای حفظ هویت اسلامی و تأمین حقوق از دست رفتهٔ امت اسلامی شکل گرفته بود. بر این اساس، انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه اتفاق می‌افتاد؛ زیرا هیچ یک از انقلاب‌هایی که پس از انقلاب فرانسه رخ داده بودند، یک انقلاب جدید نبودند بلکه همه در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند.



■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرنی شکل گرفت که پس از رنسانس به وجود آمده بودند. این انقلاب ابتدا در خاستگاه خود، فرانسه، گرفتار مشکلاتی شد اما به زودی به صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰م و ۱۸۴۸م حیاتی مجدد یافت و همه کشورهای اروپایی را فراگرفت.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه نیز، گرچه به دلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی با دیگر انقلاب‌های اروپایی تفاوت داشت ولی به دلیل سکولار بودن، درون فرهنگ غرب قرار می‌گرفت. دیگر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی بخش قرن بیستم^۱ نیز تقلیدی از انقلاب‌های مدرن بودند. فرهنگ‌هایی که در دوره استعمار، مقهور و مرعوب جوامع غربی شده بودند، راه حل چالش‌های خود را نیز در پیوستن به جوامع غربی می‌دانستند.

در این میان انقلاب اسلامی ایران با الگو گرفتن از فقه اجتماعی و سیاسی شیعی، از منظر دینی و فرهنگی به شناخت بحران‌ها و چالش‌های جهان اسلام پرداخت و با بازگشت به هویت اسلامی، فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت حل بحران‌های معرفتی و معنوی آن پدید آورد.

گفت و گو کنید

به نظر شما مهم‌ترین شباهت و تفاوت انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران چیست؟

۱- مانند جنبش‌ها و انقلاب‌های ۱۹۲۱مراکش، ۱۹۳۰ لیبی، ۱۹۴۱ لبنان، ۱۹۴۴ سوریه، ۱۹۴۷ پاکستان و ۱۹۴۸ چین.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام

دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی ایران، اغلب مسائل و مشکلات جوامع خود و جهان اسلام را با یکی از دو رویکرد زیر می‌دیدند:

در رویکرد اول (نسل اول روشنفکران)، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که در اثر عقب‌ماندگی تاریخی از جوامع غربی پیش آمده بود.

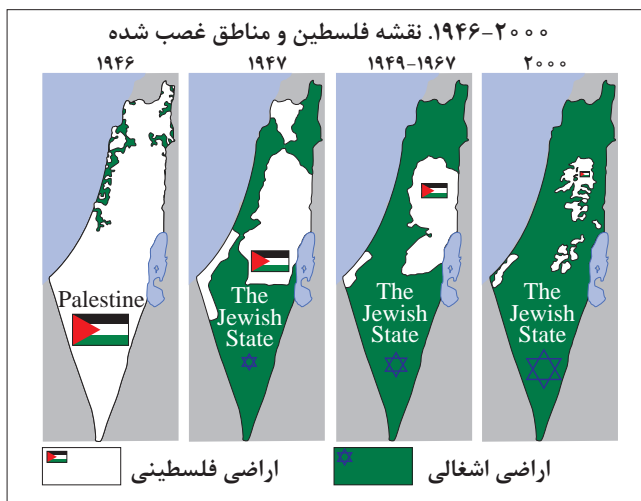
در رویکرد دوم (نسل دوم روشنفکران)، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که لیبرالیسم غربی به وجود آورده بود. کسانی که این رویکرد را داشتند، از موضع اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی با غرب مبارزه می‌کردند.

وقوع انقلاب اسلامی، افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. انقلاب اسلامی چه تأثیراتی بر جهان اسلام داشته و مهم‌ترین تأثیر آن کدام است؟

تا پیش از انقلاب اسلامی، هر یک از ده‌ها کشور بزرگ و کوچک مسلمان با گرایش به یکی از دو رویکرد گفته شده، در حاشیه بلوک شرق یا غرب قرار می‌گرفتند و چگونگی برخوردشان با مسائل مهم جهان اسلام از جمله مسئله فلسطین، تحت تأثیر همین قطب‌بندی بود.

برخی کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب بودند، دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت می‌شناختند و یا با آن سازش می‌کردند و برخی دیگر که زیر نفوذ بلوک شرق بودند، جبهه پایداری و مقاومت را تشکیل می‌دادند. گروه‌های مبارز فلسطینی ناگزیر به بلوک شرق می‌پیوستند. بعضی از این گروه‌های فلسطینی هویت مارکسیستی و بعضی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند.

گروه‌های مارکسیستی جایگاهی برای اعتقادات دینی قائل نبودند و گروه‌های ناسیونالیستی، اسلام را پدیده‌ای عربی می‌دانستند.



فلسطین یکی از عرصه‌های تقابل بلوک شرق و غرب شده بود. دولت اسرائیل با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا و کشورهای اروپایی وابسته به بلوک غرب تجهیز می‌شد و جبههٔ مقابل با سلاح‌های روسی می‌جنگید.

دولت مصر به رهبری جمال عبدالناصر، مظهر ناسیونالیسم عربی بود اما پس از مرگ او انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر با امضای قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این مسئله، موقعیت گروه‌های فلسطینی را تضعیف کرد.

انقلاب اسلامی ایران، الگوی نوینی در برابر امت اسلامی قرار داد و افق جدیدی را به‌روی جهان اسلام گشود. اهمیت این انقلاب فقط به این دلیل نبود که مهم‌ترین قدرت حامی اسرائیل در منطقه، یعنی شاه را ساقط کرده بود، بلکه در راهکاری بود که برای مبارزه با صهیونیسم ارائه می‌داد.



■ راهپیمایی روز قدس

انقلاب اسلامی با بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعی، مسئلهٔ اسرائیل را مسئلهٔ جهان اسلام مطرح می‌کرد. بازگشت به اسلام، اولاً مشروعیت قرارداد کمپ دیوید را در باور مسلمانان، مخدوش کرد؛ ثانیاً مقاومت در برابر صهیونیسم را از موضع اعتقاد اسلامی و با تکیه بر ایمان به خداوند و قدرت الهی آغاز کرد.

شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی در فلسطین، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، تشکیل جبههٔ نجات اسلامی در الجزایر و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ۱۹۹۰م این کشور، نمونه‌هایی از حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام است که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شد.

مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، جنبش‌ها و انقلاب‌های گستردهٔ مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ ه.ش است که تاکنون به سقوط قدرت‌های سیاسی در چهار کشور عربی منجر شده است. وقوع این انقلاب‌ها، سه دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران، نظیر همان وقایعی است که چهار دهه پس از انقلاب فرانسه در کشورهای اروپایی رخ داد.



■ امروز مهم ترین نیاز جهان اسلام، اتحاد و انسجام اسلامی است.

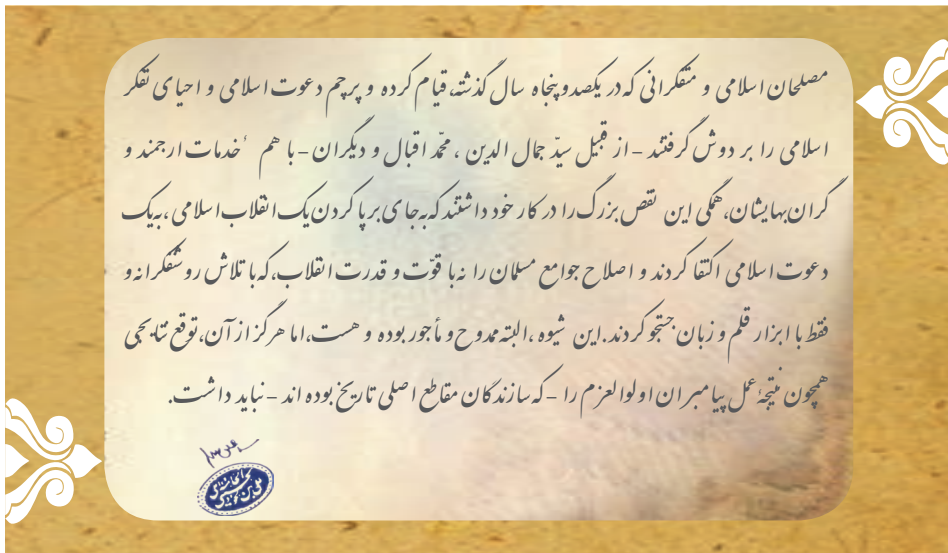
دولت‌های غربی تلاش کردند تا این انقلاب‌ها را بخشی از فرایند غربی شدن کشورهای عربی معرفی کنند و از همین رو آن را بهار عربی نامیدند. اما این انقلاب‌ها حکایت از بیداری اسلامی دارند. به همین دلیل غرب برای منحرف کردن آنها با تمام توان خود وارد عمل شده است. نخستین بیدارگران در جهان اسلام، اندیشمندان و عالمانی بودند که برای حفظ استقلال و عزت جهان اسلام به دنبال اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی بودند اما بیداری اسلامی در جهان امروز، از سطح نخبگان به مردم و فرهنگ عمومی جهان اسلام منتقل شده است. انقلاب اسلامی ایران از طریق بیداری اسلامی، الگوی جدیدی در برابر امت اسلامی قرار داده است. اگر بیداری اسلامی در جوامع اسلامی تحقق پیدا کند، این جوامع به سوی نظامی حرکت خواهند کرد که فارغ از قدرت‌های قومی و قبیله‌ای براساس فقهت و عدالت، سازمان می‌یابند. امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود، تشکیل یک دولت اسلامی را با جمهوری‌های آزاد و مستقل برای آینده کشورهای مسلمان ترسیم می‌کند.

امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامه الهی - سیاسی خود خطاب به همه مسلمانان و مستضعفان جهان می‌نویسد:

«و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به یا خیزید و حق را با جنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایت‌کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و دشمنان اسلام عزیز تسلیم می‌کنند را از کشور خود برانید.

خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند.

به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»



گفت و گو کنید

درباره تفاوت حرکت اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی با حرکت‌های اخیر بیداری اسلامی گفت و گو کنید.

جغرافیای فرهنگی جهان جدید

دنیای دو قطبی قرن بیستم چگونه فرو ریخت و جغرافیای فرهنگی و سیاسی جهان جدید چگونه به وجود آمد؟ قطب‌های اصلی این جهان کدام‌اند؟

انقلاب اسلامی با آنکه در ایران رخ داد و از ذخایر معرفتی شیعی استفاده کرد، آرمان‌ها، ارزش‌ها و رسالت خود را به حلّ چالش‌های جامعه ایران یا شیعیان جهان محدود نکرد. انقلاب براساس آموزه‌های اسلامی، از عزّت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می‌کرد، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود می‌دانست، فطرت الهی همه انسان‌ها را مخاطب پیام خود قرار می‌داد و حلّ مشکلات معرفتی و معنوی بشر را رسالت خود می‌دید.

امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای که برای گورباچف - آخرین صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی - نوشت، به اشکالاتی اشاره کرد که در محدود کردن دانش و علم به شناخت حسی یا شناخت عقلی وجود دارد. امام ضمن پیش‌بینی فروپاشی بلوک شرق، از آنان خواست که برای حل همه بحران‌ها، به سوی آموزه‌های اسلام گام بردارند و بدین منظور، نخبگان خود را برای فراگیری علوم اسلامی به ایران بفرستند.



■ برپایی نماز جماعت، مراسم مذهبی و چاپ قرآن با القاب سیریلیک در کشورهای پسا شوروی یادآور این پیام امام به گورباچف است که با مادی‌گرایی نمی‌توان بشریت را از بحران به‌در آورد.

انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌هایش، تأثیراتی فراتر از مرزهای جهان اسلام به دنبال داشت. بحران‌های معرفتی و معنوی جهان غرب با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی فرصت بروز و ظهور یافتند. این انقلاب که مستقل از ارزش‌ها و آرمان‌های جهان غرب شکل گرفت، شاهدهی گویا برای حضور تاریخ‌ساز فرهنگ‌های غیر غربی بود. انقلاب اسلامی در شکل‌گیری یا

گسترش اندیشه‌های پسامدرن به وجود آمدن، رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی در جوامع غربی از دست رفتن اعتبار، ارزش‌ها و آرمان‌های پس از رنسانس، و شکل‌گیری نظریه‌های افول سکولاریسم مؤثر بود.

انقلاب اسلامی ایران راه نوینی را فرا روی کشورهای جهان سوم قرار داد. این مسیر جدید، موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم را درهم ریخت و قطب‌بندی جدیدی را به جهان تحمیل کرد. جهان غرب پس از پی بردن به عمق حادثه و توان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، سلسله اقدامات مستمری برای مقابله با آن انجام داده اما مقاومت ایران اسلامی در برابر هریک از این اقدامات، موقعیت جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورده است.

طراحی و اجرای کودتای نوژه و هشت سال جنگ تحمیلی از نخستین تلاش‌هایی بود که برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران انجام شد.



■ اعتراف رسانه‌های غربی به کمک تسلیحاتی غرب به صدام حسین

■ اسرای نظامی غیرعراقی در میان اسرای عراقی؛ این نظامیان از سوی سایر کشورها برای تقویت رژیم بعثی صدام ارسال می شدند.

جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران با همه جنگ‌های قرن بیستم متفاوت بود. در این جنگ، تمامی کشورهای بلوک شرق و غرب، علیه ایران متحد شده بودند. تسلیحات روسی، آمریکایی، فرانسوی، آلمانی و... و دلارهای نفتی کشورهای عربی در خدمت ارتش عراق قرار داشت که آغازگر جنگ بود، در حالی که ایران برای تهیه ابتدایی‌ترین تجهیزات، از جمله سیم خاردار، تحریم شده بود.



■ سردشت، شهر قربانی جنگ‌افزارهای شیمیایی غرب

مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دههٔ نخست پیدایش آن نشان داد بلوک شرق تنها رقیب بلوک غرب نیست و موقعیت جهان اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد. کشورهای غربی در نخستین نظریه پردازی‌های خود، فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا می‌کردند. نظریهٔ «پایان تاریخ» فوکویاما^۱ همین معنا را القا می‌کرد. اما موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی‌اش باطل بودن این نظریه را نشان داد. با قبول حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام، نظریه جنگ تمدن‌ها از سوی برخی نظریه‌پردازان غربی، مطرح شد. این نظریه شکل‌گیری قطب‌بندی جدید فرهنگی تمدنی را می‌پذیرفت ولی از یک سو دیگر تمدن‌ها را در عرض تمدن اسلامی قرار می‌داد و جایگاه مهم و منحصر به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی را نادیده می‌گرفت؛ و از سوی دیگر با طرح جنگ تمدن‌ها، رویکرد خصمانهٔ جهان غرب را به جنبش‌های اسلامی، توجیه می‌نمود و از این طریق، هراسی را که پس از جنگ جهانی دوم، نسبت به بلوک شرق وجود داشت، متوجه جهان اسلام می‌کرد. آموختید که اقتصاد و سیاست جهان غرب در شرایط فعلی ابعاد جهانی پیدا کرده است و به مناطق پیرامونی نیاز دارد. انباشت ثروت جهان در دست جمعی اندک، تنها با فقر و وابستگی اقتصادی و سیاسی انبوه آدمیان امکان‌پذیر است. دنیای غرب، برای رفع نیازهای اقتصادی و سیاسی ناگزیر است با حرکت مستقلى که در جهان اسلام شکل گرفته، مقابله کند و به همین منظور فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد:



■ نظامیان آمریکایی در عراق و افغانستان

- مقابلهٔ نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم؛ مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.
- محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند آنچه نسبت به ایران انجام می‌شود.
- تبلیغ معنویت‌های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای پر کردن خلأ معنوی فرهنگ غرب.

۱- او فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق و غلبهٔ نظام لیبرال دموکراسی غرب را پایان مبارزات عقیدتی - سیاسی بشر می‌پندارد و نظام لیبرال دموکراسی را محصول نهایی تاریخ بشر می‌داند که برای آن جایگزین بهتر و مناسب‌تری قابل تصور نیست.

- ارائه تصویری خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل دهی جریان های تروریستی وهابی.
- ارائه تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام آمریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.
- جنگ رسانه‌ای همه‌جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.



■ استقبال آی یک از تصویب تحریم‌های ضدایرانی
 ■ اسلام هراسی در غرب
 در سنای آمریکا

تأمل کنید

به نظر شما، جهان اسلام در برابر محدودیت‌هایی که جهان غرب ایجاد می‌کند چه فرصت‌هایی دارد؟ دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش روی جریان بیداری اسلامی تأمل کنید.



منابع

- آربلاستر، آنتونی. (۱۳۸۸) ظهور و افول لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- آرون، ریمون. (۱۳۹۳). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اشپنگلر، اسوالد. (۱۳۶۹). انحطاط غرب. ترجمه هوشنگ ایرانی. نشریه فلسفه، کلام و عرفان. شماره ۳
- افروغ، عماد. (۱۳۹۳). اسلام و جهانی شدن. تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
- _____. (۱۳۸۱). رنسانسی دیگر. تهران: انتشارات کتاب آشنا.
- _____. (۱۳۸۷). ما و جهانی شدن. تهران: انتشارات سوره مهر.
- امین، سمیر (۱۳۸۹). اروپامداری. ترجمه موسی عنبری. تهران: نشر علم.
- _____. (۱۳۸۲). سرمایه داری در عصر جهانی شدن. ترجمه ناصر زرافشان. تهران: نشر آگه.
- امینی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ایجاد وحدت در سایه بیداری اسلامی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن. (۱۳۸۰). افول سکولاریسم. ترجمه افشار امیری. تهران: مؤسسه نشر پنگان.
- پارسانی، حمید. (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. قم: انتشارات کتاب فردا.
- _____. (۱۳۸۹). حدیث پیمانه. قم: دفتر نشر معارف.
- _____. (۱۳۸۱). هفت موج اصلاحات. تهران: انتشارات فراندیش.
- _____. (۱۳۹۱). انواع و ادوار روشنفکری؛ با نگاه به روشنفکری حوزوی. قم: کتاب فردا.
- پرتو، امین. (۱۳۹۱). موانع تحقق بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- ترنر، بریآن. (۱۳۸۴). رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه محمدعلی محمدی. تهران: شرکت نشر یادآوران.
- توحیدفام، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ در عصر جهانی شدن. مجموعه مقالات. تهران: انتشارات روزنه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی — سیاسی ایران. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____. (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
- _____. (۱۳۷۸). ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
- چامسکی، نوام. (۱۳۸۷). نظم‌های کهنه و نوین جهانی. ترجمه مهرداد ایرانی طلب. تهران: نشر نی.
- حسینی بهشتی، سید محمد رضا. (۱۳۷۹). فرانسویس بیکن و بحران طبیعت. فصل‌نامه فلسفه. شماره ۱
- حنفی، حسن. (۱۳۸۹). علم غرب‌شناسی چیست. ترجمه جنان سید عبدالمناف الحلو. قم: نشر ادیان
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۳). درباره غرب. انتشارات هرمس.
- رابرت، مارک و همکاران. (۱۳۸۴). جهانی‌سازی، چالش‌ها و راهکارها. ترجمه سید هادی عربی و همکاران. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۵). علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی نظام جهانی. چاپ دهم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- رینولدز، چارلز. (۱۳۸۶). وجوه امپریالیسم. ترجمه سید حسن سیف زاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ژیک، اسلاوی. (۱۳۹۳). نقد باورهای مغرب زمین. ترجمه کیوان آذری. اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- سو، آلوین. (۱۳۹۴). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سعید، ادوارد. (۱۳۸۲). فرهنگ و امپریالیسم. تهران: نشر توس.
- شولت، جان آرت. (۱۳۸۶). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کچوئیان، حسین. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ. تهران: انتشارات سوره مهر.
- _____. (۱۳۸۷). نظریه‌های جهانی شدن و دین. تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۹۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کهن، لارنس. (۱۳۸۸). متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۹۲). جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- گنجی ارجنگی، عبدالله. (۱۳۸۸). موج سوم بیداری اسلامی. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- گنون، رنه. (۱۳۸۸). بحران دنیای متجدد. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی و کارون بردسال. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). علل گرایش به مادیگری. تهران: انتشارات صدرا.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۱). نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۲). انسان و طبیعت. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- واعظی، حسن. (۱۳۸۱). استراتژی سلطه. تهران: انتشارات سروش.
- واعظی، حسن. (۱۳۸۸). استعمار فرانو، جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۰). تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی. ترجمه مینو احمد سرتیپ. تهران: انتشارات کتاب سرا.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری درس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب جامعه‌شناسی ۲ - کد ۱۱۱۲۲۲

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	نسرين عزيزيان	کردستان	۱۹	عزيزاله علي زاده	گیلان
۲	صديقه خليلي بروجنی	البرز	۲۰	بيژن كاردوست	همدان
۳	بهروز نوروزی	آذربایجان شرقی	۲۱	سهیلا دباغی	همدان
۴	زهرا دانش پژوه	مرکزی	۲۲	صغری یعقوب زاده	خراسان جنوبی
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۳	حسن مومنی	ایلام
۶	طاهره شيخ زهدی	کرمان	۲۴	ژاله فاضلی	کرمانشاه
۷	غلامعلی مرادی	خراسان جنوبی	۲۵	احمد قنبری	مرکزی
۸	ایرج ابراهیمی	زنجان	۲۶	سجاد پناه پور	کهگیلویه و بویراحمد
۹	سولماز فیض الله زاده	البرز	۲۷	صمصام مهدی پور	خوزستان
۱۰	حسین عبادالهی	هرمزگان	۲۸	نسرين حسنی	اردبیل
۱۱	صفدر اسماعیلی فارسانی	چهارمحال و بختیاری	۲۹	شعبان ولی زاده	ایلام
۱۲	محمد حسین کاوه یزدی	یزد	۳۰	معصومه احمدی	بوشهر
۱۳	نیره قاضی مومن	سمنان	۳۱	زینب محمدی	خراسان شمالی
۱۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۳۲	سلیمان نسترن بلداجی	چهارمحال و بختیاری
۱۵	محبوبه پورشفیعی	کرمان	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران
۱۶	خدیجه رضایی	تهران (شهرستان‌ها)	۳۴	ایمان رضاییان	مازندران
۱۷	رحیمه شقاقی	زنجان	۳۵	فرشته کاظمی	شهر تهران
۱۸	ابراهیم حسنی	فارس	۳۶	شمس الدین کریمی	شهرستان‌های تهران